

جایگاه رشد معنوی در قرآن

صالحی مریم^۱

چکیده

خداوند متعال موجودات متفاوتی را آفریده و به هر کدام امتیازات ویژه ای عطا کرده است. در این میان کاملترین موجود و به تعبیر قرآن اشرف مخلوقات و جانشین خدا بر روی زمین، انسان معرفی شده است. هدف از آفرینش انسان رسیدن به کمال و قرب الهی است.

در مسیر عبادت و بندگی خداوند موانعی وجود دارد که اگر انسان با این موانع مبارزه نکند، رغبت و اشتیاق او به عبادت کاسته می شود و در نهایت انسان از مسیر اصلی خدا و پرستش او خارج می شود و به رشد و کمال حقیقی نائل نمی شود.

قرآن کریم به بحث و بررسی در ابعاد مختلف رشد، همچون تحول و رشد جسمانی، اخلاقی، اجتماعی، شناختی، عاطفی، و..... پرداخته است. مثلاً در مورد رشد جسمانی، زندگی انسان را به هفت مرحله پیش زادی، کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی، سالمندی، و حتی رشد روانی پس از مرگ تقسیم نموده است.

و یا اینکه به موضوع رشد اخلاقی آن هم از ابعاد رفتاری، شناختی، عاطفی، قضائی و..... پرداخته است. گستردگی مبحث رشد سبب شده است که ما تنها به بررسی رشد معنوی انسان در آموزه های قرآن بپردازیم؛ زیرا به نظر می رسد، نسبت به سایر ابعاد رشد از اهمیت خاصی برخوردار باشد.

کلید واژه: رشد معنوی، انسان، خدا، زندگی دنیا، آخرت.

^۱ طلبه پایه دوم حوزه علمیه ام الائمہ شهرستان نجف آباد .

انسان از جمله موجودات شگفت انگیز عالم هستی است که بر خلاف سایر موجودات غیر از جسم خاکی دارای روحی پاک و آسمانی است. و اگر خداوند در هنگام خلقت انسان او را به عنوان اشرف مخلوقات به سایر فرشتگان معرفی می کند، به خاطر همین بعد روحانی و ملکوتی او است، زیرا قابلیت این را داشته که نفخه الهی در وجودش دمیده شود و او را تا مرز خلیفه الهی بر روی زمین به پیش ببرد.

هدف از آفرینش انسان، عبادت و بندگی خداست.

در مسیر عبادت و بندگی خداوند، گروهی از انسان ها در مسیر رشد و کمال گام بر می دارند و گروهی دیگر از انسانها هستند که نه تنها در مسیر هدایت و کمال حرکت نمی کنند؛ بلکه سرمایه های اولیه ای را هم که خداوند در نزد آنها به ودیعه گذاشته است از بین می برند و بدبختی و شقاوت دنیا و آخرت را برای خود و دیگران به ارمغان می آورند.

به نظر می رسد استفاده درست از قدرت فکر و اندیشه، داشتن نیتی پاک و آسمانی، ایمان واقعی به خداوند، عمل به خوبی ها و سبقت در انجام آنها، همه و همه شرایطی را فراهم می آورد تا انسان به رشد معنوی مطلوب دست پیدا کند.

برخورداری از علم و آگاهی، خلوص، صبر و شکیبایی در برابر حوادث ناگوار زندگی، لهو و لعب دانستن زندگی، دعا به درگاه خداوند، یاد مرگ و..... از نشانه های انسان های رشد یافته است.

حرف آخر اینکه رشد معنوی، یک حرکت اختیاری است و کسی را به اجبار نمی توان به رشد و کمال رساند.

تعریف رشد معنوی

«رشد شاخه ای از علم روانشناسی است که به توصیف و تبیین فرایندهای تغییرات کمی و کیفی در همه ابعاد روانشناختی ساختار و رفتار آدمی، از انعقاد نطفه تا مرگ، می پردازد و در صدد کشف قوانین حاکم بر این تغییرات، منشاء، عوامل موثر و پدیده های برآمده از آنهاست» (بی ریا، ۱۳۷۵، ص ۵۸)

اجزای این تعریف، در مورد رشد معنوی نیز صدق می کند ولی اگر بخواهیم کلمه رشد را به مفهوم عام خودش که شامل همه انواع رشد ها در همه موارد بشود، تعریف کنیم؛ باید بگوییم:

«رشد یعنی اینکه انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره برداری یکی از سرمایه ها و امکانات مادی و یا معنوی که به او سپرده می شود را، داشته باشد» (مطهری، ۱۰۳، ۱۳۹۰، ص)

اکنون بر اساس همین تعریف، به بررسی نکاتی در مورد رشد معنوی می پردازیم.

عناصر موجود در رشد معنوی

در این تعریف عناصری وجود دارند که در مورد «رشد معنوی» قابل تامل هستند:

- ۱- رشد معنوی، از نوع رشد کیفی است که از طریق آثار و نشانه هایش شناخته می شود و می توان با مطالعات بیشتر و تعیین دقیق شاخص های آن و ساختن سنجش، آن را به صورت کمی نیز مورد بررسی قرار داد.
- ۲- واژه «رشد» و مشتقات آن در قرآن بارها به کار رفته و در همه موارد، اشاره به یک حرکت کیفی رو به جلو دارد. (انبیاء، ۵۲) و (کهف، ۶۷)
- ۳- کسب رشد معنوی تنها از طریق ابعاد رشد ممکن است؛ یعنی فرد نمی تواند به رشد معنوی دست پیدا کند، بدون اینکه رشد اخلاقی، اجتماعی، شناختی، جسمانی، و..... را در حد لازم به دست آورده باشد.
- ۴- در قرآن کریم «رشد» در مقابل «غی»، که به معنای هدایت، (غی، ۱۴۶) بلکه اعم از هدایت است (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۱۷)، بکار رفته است.
- در واژه های قرآنی رشد به معنای هدایت است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۰۲)
- ۵- رشد معنوی، یک فرایند یا مسیر است؛ مسیری برای طی کردن (بقره، ۳۸) (بقره، ۱۸۶) نه مقصدی برای رسیدن؛ این مسیر همیشگی است و فقط باید در این مسیر گام برداشت.

۶- رشد یک فرایند پیچیده است، اینطور نیست که در همه موارد، کاملاً شفاف و روشن باشد،

گاه ممکن است به ظاهر هدایت، اما به واقع گمراهی باشد. (بقره، ۲۱۶)

برای شناختن آن راههایی وجود دارد که تنها خود دین به معرفی آنها پرداخته است.

۷- حرکت در مسیر رشد معنوی، همراه با **رنج و سختی** است، به سختی هایی از نوع ترس، گرسنگی، هزینه

مالی، از دست دادن جان و دستاوردهای دیگر زندگی، گرفتار خواهیم شد، پس باید صبور باشیم. (بقره، ۱۵۵)

زیرا تمام رفتارهای ما در این مسیر مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. (عنکبوت، ۲)

۸- رشد معنوی، **هدفمند** است. هدف غایی آن، رسیدن به کمال است، و تعبیراتی مانند رستگاری، حیات

طبیعه، قرب الهی و عبودیت همه و همه اشاره به رشد معنوی دارند که در راستای رسیدن به این هدف،

اهداف واسطه ای و جزئی مطرح می شوند. (حجتي، ۱۳۶۰، ص ۱۲۵)

۹- رشد معنوی، یک حرکت **اختیاری** است. انگیزه و قدرت انتخاب انسان، نه تنها می تواند او را از جبر بیرونی رها

سازد، بلکه قطعاً می تواند او را از غرایز و تمایلات درونی حیوانی نیز رهایی بخشد. (آل عمران، ۱۰۱) (انسان، ۳)

۱۰- حرکت انسان در مسیر زندگی اش **دو جهت** دارد: افرادی جهت مثبت و کمال خواهی را در پی می گیرند

و از مسیر گمراهی اجتناب می کنند؛ (اسراء، ۱۵) و افرادی دیگر نه تنها در جهت هدایت حرکت نمی کنند، بلکه

سرمایه های اولیه را هم که خداوند به آنها داده از بین می برند. (اعراف، ۱۷۹)

۱۱- لازمه رشد معنوی، **خدا آگاهی** است. با توجه به اینکه رشد به معنای هدایت و مسیری برای حرکت به

سوی خداست، توجه به خدا در لحظه لحظه حرکت، در این مسیر امری لازم و ضروری است. (نساء، ۱۳۲)

۱۲- لازمه رشد معنوی، **خود آگاهی** است. انسان در لحظه لحظه حرکت در مسیر رشد باید به ساختارهای

شناختی، عاطفی، هیجانی و در عین حال به رفتارهای خود کاملاً اشراف داشته باشد. (بقره، ۴۴) (مائده، ۱۰۵)

۱۳- رشد معنوی، هم در مباحث **روانشناسی** کاربرد دارد و هم در مباحث **فراروانشناسی**؛

روند آغاز، فراهم سازی مقدمات و شکل گیری تدریجی آن، اموری هستند که با علم روانشناسی مرتبط است.

امکان رشد معنوی

از چند طریق، می توان امکان رشد معنوی را فراهم آورد :

۱- دریافت حضوری خود فرد: در وجود هر فرد در موقعیت های متفاوتی که برایش امکان رشد معنوی وجود دارد، آن را دریافت می کند، حتی می تواند، بهتر است فرد به مقایسه وجود یا عدم وجود آن بپردازد. برای مثال، بین زمانی که عالم است را با زمانی که جاهل است. بین زمانی که فداکاری و ایثاری را انجام داده، با زمانی که انجام نداده یا ضد آن را انجام داده است، بین زمانی که لذت جهاد و جانبازی در میدان جنگ را چشیده، با زمانی که این لذت را نچشیده است، بین زمانی که در مورد موضوعی اندیشیده است و به عمق آن پی برده، با زمانی که به آن عمق دست پیدا نکرده است، و..... تفاوت های قابل توجهی را در درون خود حس می کند. این تفاوت ها برای خود فرد به خوبی آشکار می سازد که آیا او به یک رشد معنوی دست پیدا کرده یا نه! باید یادآور شد که این روش یک تجربه درونی و شخصی است و قابلیت انتقال به دیگران را ندارد.

۲- مقایسه خود با دیگران: از طریق ارتباطات کلامی و غیر کلامی، دریافت تشابه ها و تفاوت ها و فاصله هایی که میان افراد وجود دارد، محقق می شود.

این روش قابل ارائه و استدلال برای عموم مردم نیست و تنها اختصاص به کسانی دارد که آن را به کار می برند.

۳- دقت در تجربیات بشر: مطالعه تاریخ زندگی بشر، گویای این نکته است که، انسان ها به نوعی در پی کسب رشد معنوی بودند و حتی تلاش می کردند تا تجربیات معنوی خود را در اختیار دیگران بگذارند؛ زیرا احساس می کردند دیگران نیز این قابلیت را دارند که به درجات بالای رشد معنوی دست پیدا کنند.

۴- توجه به نشانه ها و آثار رشد معنوی در قرآن کریم: افزون بر تجربه های بشری، می توان به آثار و نشانه های رشد معنوی که در قرآن ذکر شده، توجه نمود و بر اساس آنها به شناخت و معرفی رشد معنوی پرداخت. این راه، تاکنون طی نشده است؛

اما به نظر می رسد مهمترین شیوه از دیدگاه علم روانشناسی باشد. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰)

مقدمات و شرایط رشد معنوی

پیوستگی در رشد معنوی

رشد معنوی نیز مانند دیگر ابعاد رشد، دارای درجاتی است، که از آن با عنوان پیوستگی در رشد معنوی یاد می شود؛ و ما در پی اثبات آن هستیم.

۱- آیاتی که در مورد سنجش دینداری مطرح می شود، در اینجا قابل استفاده است.

زیرا رشد معنوی بعدی از ابعاد دینداری محسوب می شود و انتظار می رود که هر دو، همبستگی مستقیمی با همدیگر داشته باشند و با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش یابد.

در واقع در پیوستگی و قابلیت کمی، رشد معنوی شکی وجود ندارد.

۲- قرآن چند نوع نفس را بر می شمارد، گاه به نفس ملهمه (شمس، ۷ و ۸) اشاره می کند که اصل ظرفیت و قابلیت رشد مثبت یا منفی در نفس انسان را متذکر می شود و گاه تعبیراتی مثل اماره (یوسف، ۵۲)، لوامه (قیامت، ۳) و مطمئنه (فجر، ۲۷ و ۲۸) را می آورد.

۳- قرآن کریم، بعضی از ویژگی ها و موقعیت ها را با افعال التفضیل یاد می کند،

برای مثال، تعبیر «اسفل السافلین»، «احسن التقویم» و را به کار می برد که در واقع حد میان پیوستگی را رها کرده و به دو سویه بودن آن اشاره می کند.

۴- گاهی نیز قرآن کریم، کارهای مثبت افراد را به گونه ای بیان می کند که معلوم می شود آنها با انجام هر کار خوب، یک گام رشد کرده اند و رو به سوی کمال حرکت کرده اند؛ برای مثال، می فرماید: «اگر خطاکاران، توبه کنند و نماز را بر پای دارند و زکات بپردازند، آنان نیز از برادران شما محسوب می شوند» (توبه، ۱۰) در واقع با انجام دادن هر یک از این اعمال صالح، رشدی برای انسان حاصل می شود. نیز «آنگاه که خداوند، ابراهیم را با آزمایش های مختلف آزمود و ابراهیم همه را با موفقیت کامل گذراند، آنگاه خداوند مقام امامت و پیشوایی مردم را برای او قرار داد.» هر امتحان، گامی به سمت جلو است.

رابطه رشد معنوی با ابعاد دیگر رشد

رشد معنوی، با ابعاد دیگر رشد، ارتباط مستقیم دارد. هر مقدار که افراد در بعدی از ابعاد رشد، پیشرفت داشته باشند، زمینه ای می شود برای رسیدن به رشد معنوی. رشد جسمانی نیز مقدمه ای است برای برخی امور دیگر؛ برای مثال، حضرت یوسف (ع) وقتی که رشد کرده بود و به بلوغ لازم رسیده بود، خداوند علم و نبوت را به او داد. (یوسف، ۲۲) یتیمی که سر پرست دارد، هر گاه به رشد جسمانی و عقلانی متعارف برسد، می توان اموالش را در اختیارش قرار داد (اسراء، ۳۵)، چون در غیر این صورت ممکن است آن اموال را از بین ببرد.

ولی در رشد معنوی باید یک انسجام روانی و یک هماهنگی متعادل با دیگر ابعاد رشد وجود داشته باشد. برای مثال، اگر کسی در رشد اخلاقی، در پایین ترین درجه باشد، یا رشد منفی داشته باشد، او در جهت مثبت رشد معنوی حرکت نکرده است. به طور کلی می توان گفت: رشد معنوی، در جمع بندی بین دیگر ابعاد رشد و نتیجه نهایی آنها قرار دارد؛ به همین دلیل است که رسیدن به رشد معنوی به آسانی ممکن نیست. برای مثال، قرآن کریم به افرادی اشاره می کند که به آیات قرآن یقین دارند، اما با این حال آن را انکار می کنند اینان مشکل شناختی در این باره ندارند، اما از آنجا که از بعد عاطفی نتوانسته اند آن را بپذیرند، آن را به شدت انکار می کنند و در عمل هم به آن نمی پردازند. (نمل، ۱۴)

نتیجه:

اکنون که به پایان این مقاله رسیدیم، به نظر می رسد پس از بررسی امکان رشد معنوی، مقدمات و شرایط آن، نشانه ها و آثار رشد معنوی و..... بیشتر با این مفهوم آشنا شدیم. در آموزه های قرآن نیز بارها به این نکته اشاره شده است که؛ انسان بی هدف خلق نشده، بلکه هدفی از خلقت او وجود داشته که این هدف تنها مربوط به زندگی مادی و دنیوی او نمی شود؛ بلکه باورها و سبک زندگی او را نیز در بر می گیرد. به نظر می رسد همهء این آموزه ها در بعد «رشد معنوی» نمود واضح تری پیدا می کند. شاید به تعبیر بهتر بتوان رشد معنوی را به مسیری تشبیه کرد که در این مسیر انسان ها به انواع سختی ها ورنج ها دچار می شوند و همین مبارزه و دست و پنجه نرم کردن با آنها باعث می شود که انسان ها گام به گام رشد کنند و بر قله های رشد و کمال قرار گیرند.

منابع

- قرآن کریم (بی تا)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دار القرآن الکریم.
- بی ریا و دیگران، روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت ۱۳۷۵.
- حجتی، سید محمد باقر، روانشناسی از دیدگاه غزالی، ج ۱، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
- راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۶.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، جلد هشتم، چاپ بیست و نهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹.
- کاویانی، محمد، روانشناسی در قرآن، چاپ چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، جلد اول، چاپ بیست و نهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، جلد ششم، چاپ هفدهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۹۰.

